(معرفی کتاب): شاه اسماعیل صفوی

انتشارات بنیاد فرهنگ ایران-شماره 50 منابع تاریخ و جغرافیای‏ ایران-شماره 17-قطع وزیری-419 صفحه-تهران-بهمن‏ماه 1347 250 ریال.

کتاب«شاه اسمعیل صفوی»مجموعه‏ایست از اسناد و مکاتبات تاریخی‏ همراه با یادداشتهای تفصیلی که به اهتمام آقای دکتر عبد الحسین نوائی و مساعدت مالی سازمان برنامه،توسط بنیاد فرهنگ ایران چاپ شده است.

در این کتاب چهار فرمان و سی و چهار نامه و سه فتحنامه و شش جواب‏ نامه و یک استمالت نامه آورده شده است.

فرامین مربوط است به:

الوند میرزا به سلطان بایزید ثانی،سلطان بایزید به حاجی رستم کرد، شاه اسمعیل به سلطان بایزید و شبیک خان و قانصو الغوری و سلطان سلیمان‏ خان و سلطان سلیم خان به عبید خان اوزبک و شاه اسمعیل و محمد بیک آق قویونلو و شاه رستم حاکم لرستان و مراد آق قویونلو و اعیان تبریز و حاکم گیلان و مازندران و حاکم شیروان و خواجهء اصفهانی به سلطان سلیم و شروان شاه به‏ سلطان سلیمان و غیاث الدین خوند میر به ظهیر الدین محمد بابر.

و فتحنامه‏ها عبارتست از:

فتحنامه‏ای که سلیم پس از چالدران به سلیمان پسرش نوشته

فتحنامهء چالدران که سلیم به امراء مشرق و قبایل کرد نوشته.

و فتحنامهءی مصر از طرف سلطان سلیم به شروان شاه.

و پاسخ نامه‏ها مربوط است به:

جواب نامهء عبید خان به سلطان سلیم خان

و جواب قانصو غوری به سلطان سلیم

و جواب شروان شاه به سلطان سلیم و پاسخ سلطان سلیم

و جواب نامه از رئیس الکتاب جوری چلبی

و جواب مکتوب ظهیر الدین محمد بابر از زبان سلطان محمد زمان‏ بهادر خان به قلم خواند میر.

و استمالت‏نامه نیز مربوط است به اهالی تبریز که توسط سلیم فرستاده شده است.

و پس از شکست الوند بیک با نیروی آق قویونلو،در تبریز به تخت سلطنت‏ جلوس کرد.

در این ایام سلطان بایزید خان دوم پسر سلطان محمد فاتح دوم سلطان عثمانی‏ بود و با پادشاهان ایران که مروج مذهب شیعه بودند به چشم بدگمانی می‏نگریست‏ و همواره امرای آق قویونلو را تحریک می‏کرد تا در قلمرو حکومت صفوی‏ فتنه و فساد بر پا دارند لیکن چون تدابیر او سودمند نیفتاد،از در دوستی با شاه‏ اسمعیل درآمد و در سال 910 سفیری بنام محمد چاوش بالابان با تحف و هدایای فراوان بدربار ایران گسیل داشت لیکن دیری نپائید که سلطان سلیم- خان با تمهید مقدماتی چند قدرت را در دست گرفت و سلطان بایزید ناچار از سلطنت کناره گرفت و سلیم برادران و برادرزادگان و مدعیان سلطنت خود را بکشت و نیز احمد برادر بزرگ خود را هم که از طرف پدر به ولیعهدی برگزیده‏ شده بود و طرح دوستی با شاه اسمعیل ریخته بود بکشت و یکی از پسران او بنام سلطان مراد به ایران آمد و به شاه اسمعیل پناهنده شد.

این امر و عوامل دیگر سبب شد که سلیم به ایران لشکر کشی کند و با شاه اسمعیل به جنگ برخیزد.وی ابتدا فرامان به قتل شیعیانی که در ولایات‏ مختلف آسیای صغیر بسر می‏بردند داد و از علمای سنی مذهب در وجوب جهاد با شیعیان قول گرفت و مقدمات جنگ را بتدریج فراهم آورد.

سلطان سلیم خان در 22 محرم سال 920 هجری قمری از ادرنه حرکت‏ و در 2 صفر به استانبول رسید و پس از توقفی چند روزه در این شهر بطرف‏ ایران حرکت کرد.عدد سپاهیان او را 000/140 نفر برشمرده‏اند با دویست عراده توپ بزرگ و 100 عراده توپ کوچک و دو هزار اسب و ششهزار شتر و در خلال این ایام مکاتباتی بین او و شاه اسمعیل مبادله شده که‏ در این کتاب آورده شده است.

جنگ چالدران بامداد روز چهار شنبه دوم رجب سال 920 هجری‏ قمری میان دو سپاه ایران و ترک شروع شد و حاصل آن‏چنان است آن‏که‏ همگان در تواریخ خوانده‏اند و در اینجا حاجت به ذکر آن نیست و از روی‏ اسناد منتشره در کتاب میتوان به قسمتی از آن دست یافت.